

Examining Moral and Verbal Principles Regarding Human Interaction with Environment (Based on Verses and Tradition)

Fahimeh Jafrasteh^{a*}, Alireza Tabibi^b

^a PhD student, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Iran

^b Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Iran

KEYWORDS

environment, interaction
moral principle, verbal
principle, verse, tradition

Received: 30 October 2023;
Accepted: 10 December 2023

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2024.710193

ABSTRACT

Interaction with the environment has always been one of the main concerns of mankind and religions in different periods. From the point of view of the Holy Quran and traditions, all the components of the universe are valuable and are moving towards a certain goal. Therefore, for humans to benefit from a healthy, clean, and pollution-free environment, a model has been presented in many verses and traditions, which express the moral and verbal principles of human interaction with the environment and how to protect it. This research presents the view of Islam on interaction of man with the environment and his duty in relation to the various parts of the environment based on the verses and tradition. It has been stated that because man lives in the lap of the environment, he is entitled to be healthy and grow properly and benefit thereof. On the other hand, a unified human being who benefits from formative and legislative guidance as a wise, sane, responsible being must display disciplined behavior with the environment (responsible behavior with the environment, being trustworthy, and forbidding corruption in the environment) along with tolerance and compassion for the environment, cleanliness, and development of the environment, etc.). And in practice, he should observe the moral principles that result in human life order and the revival of the sense of responsibility and efforts to preserve and protect the environment and create the necessary background for human growth and perfection.

* Corresponding author.

E-mail address: fahimeh_jafrasteh@yahoo.com

2024 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی اصول اخلاقی و کلامی ناظر بر تعامل انسان با محیط زیست (با تکیه بر آیات و روایات)

فهیمة جفرسته الف*، علیرضا طبیبی ب

الف دانش‌آموخته دکتری، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، fahimeh_jafrasteh@yahoo.com
ب دانشیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، a-tabibi@araku.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>تعامل انسان با محیط زیست همواره از دغدغه‌های اصلی بشر، ادیان و مذاهب در دوره‌های مختلف بوده است. از دیدگاه قرآن کریم و روایات، همه اجزای عالم هستی دارای ارزش می‌باشند و به سوی غایت مشخصی در حرکت می‌باشند. لذا برای بهره‌گیری انسان از محیط زیست سالم و پاک و عاری از آلودگی‌ها در آیات و روایات بسیاری، الگو ارائه شده است که بیانگر اصول اخلاقی و کلامی تعامل انسان با محیط زیست و چگونگی حفاظت از آن می‌باشند و در تحقیق حاضر نیز دیدگاه اسلام درباره تعامل انسان با محیط زیست و وظیفه او در ارتباط با اجزاء مختلف محیط زیست با تأکید و محوریت آیات و روایات تبیین شده است و بیان شده است که انسان از آن جهت که در دامن محیط زیست زندگی می‌نماید، حق دارد که برای سلامتی و رشد مناسب خویش از آن بهره‌مند باشد و در مقابل انسان موحد و بهره‌مند از هدایت تکوینی و تشریحی به عنوان موجودی خردمند، عاقل، مسئول می‌بایست دارای رفتاری اصولی و ضابطه‌مند با محیط زیست (رفتار مسئولانه با محیط زیست و امانت‌دار بودن، نهی از فسادانگیزی در محیط زیست و مدارا و شفقت با محیط زیست، بهداشت و پاکیزگی و آبادانی محیط زیست و...) باشد و در عمل، اصول اخلاقی را رعایت نموده که در نتیجه موجب سامان یافتن زندگی بشر و احیای حس مسئولیت و تلاش برای حفظ و حراست از محیط زیست و ایجاد زمینه و بستر لازم برای رشد و به کمال رسیدن انسان می‌شود.</p>	<p>محیط زیست، تعامل، اخلاقی، کلامی، آیات و روایات</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

یکی از تفاوت‌های اصلی انسان سنتی و انسان مدرن، این است که انسان سنتی تحت تأثیر طبیعت، زندگی خود را تغییر می‌دهد و طبیعت تأثیری مستقیم بر رفتارهای انسان داشت و زندگی خود را بر اساس طبیعت پیرامونی تنظیم می‌کرد و در واقع بر اساس مبنای طبیعت‌محوری بود؛ به این معنا که اگر انسان در طبیعت دارای حقی است این حق به لحاظی است که انسان عضوی از زیست بوم است. (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۷۶) اما انسان مدرن برعکس انسان سنتی، بر روی طبیعت اثرگذار است و بدون نیاز به آنکه زندگی خود را بر اساس وضعیت طبیعت اداره کند، محیط زیست پیرامون خود را بر اساس شرایط و اراده خود تغییر می‌دهد و اراده انسان مدرن بر طبیعت پیرامون حاکم است و در این دیدگاه که بر

* نویسنده مسئول

مبنای انسان‌محور است؛ محیط زیست فقط بر منافع بشر متکی است و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. (حییبی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹) و فایده‌مندی محیط زیست صرفاً تا جایی است که بتوان برای ارضای خواسته‌های بشر از آن‌ها بهره‌برداری نمود. (بری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱) در چنین شرایطی نهاد و من طبیعی انسان مدرن حاکم بر طبیعت، خواهان تخریب همه‌جانبه محیط زیست و مصادره محیط پیرامون خود در راستای منافع آنی و لذت‌های زودگذر خود است و فرامین انسان مدرن در اندیشه کنترل‌گریزه ویرانگری طبیعت است.

بنابر نتایج کنفرانس‌های بین‌المللی درباره حفظ حقوق محیط زیست، ادیان یکی از بزرگترین پتانسیل‌های موجود در احیای حقوق از دست رفته محیط زیست می‌باشند. اسلام به عنوان دینی که دغدغه سعادت بشر از اصلی‌ترین آرمان‌های آن است، در کتاب آسمانی خود و در روایات به تبیین اخلاقی و کلامی تعامل انسان با محیط زیست می‌پردازد. بر این اساس طبیعت نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی است و دارای قداست است و تخریب و نابودی آن ممنوع است و از این نظر تمامی عناصر طبیعت هدف مشخصی دارند که انسان باید در آن تفکر و تأمل نماید و چون خداوند از خلقت بشر هدف دارد، مسیر انسان بنا بر اراده الهی می‌باید در جهت ایجاد توازن در محیط زیست باشد تا صفت جانشینی خدا بر او صدق نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۲) در این دیدگاه که بر اساس مبنای خدامحوری است می‌بایست انسان موحد و بهره‌مند از هدایت تکوینی و تشریحی به عنوان موجودی خردمند، عاقل، مسئول و جانشین خداوند، دارای رفتاری اصولی و ضابطه‌مند با محیط زیست باشد.

ضرورت این تحقیق آن است که خلأ مباحث تئوریک و فکری در این زمینه بهبود یابد و پاسخ و نقدی باشد به دیدگاهی که منشأ بحران‌های زیست محیطی را ادیان ابراهیمی می‌داند و توضیح داده شود که تصور مذکور ناشی از تصور ناقص نظریه‌پرداز از ماهیت و آرمان‌های ادیان آسمانی است و به تقویت دیدگاهی بپردازد که آموزه‌های ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام را دارای پتانسیل لازم برای حفظ حقوق محیط زیست می‌داند.

بحث درباره نحوه تعامل انسان و محیط زیست سابقه‌ای طولانی دارد، به گونه‌ای که علامه مجلسی دو جلد از مجلدات کتاب «بحارالانوار» را به احادیث وارده در زمینه محیط زیست اختصاص داده‌اند. و یا کتاب «اسلام و محیط زیست» از آیت الله جوادی آملی که برگرفته از سخنرانی‌های ایشان می‌باشد و یا «اسلام و محیط زیست» از عیسی ولایی و «اصول تربیت زیست محیطی در اسلام» از صادق اصغری و مقالاتی نظیر «نظریه اخلاقی زیست محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی» از محمود فتحعلی و «انسان‌محوری در قلمرو زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلام» از محسن جوادی اشاره کرد.

آثار مذکور هر یک از جهاتی در زمینه محیط زیست و از نگاه اسلام سخن به میان آورده‌اند و متناسب با موضوع آیات و روایاتی را ذکر کرده‌اند ولی هیچ یک از آثار ذکر شده به بررسی اصول اخلاقی و کلامی تعامل انسان با محیط زیست بر اساس آیات و روایات نپرداخته‌اند که مقاله حاضر به دنبال بررسی آن است تا با استفاده از این آثار گرانقدر و تحلیل‌های ارائه شده توسط اندیشمندان مسلمان، بتوان به وظایف خود در رفتار با محیط زیست عمل نمود.

۲. محیط زیست

«محیط زیست» واژه‌ای فارسی است و معادل عربی آن «البيئه» می‌باشد. محیط زیست در معنای کلی و عام، مکان و فضایی است که در آن زیستن وجود دارد.

۱. یکی از اندیشمندان مسلمان می‌گوید: قدر متیقن از تعاریف مختلفی که برای محیط زیست بیان شده عبارت است از: «قسمتی از طبیعت که هر کس در زندگی خود با آن سروکار دارد». (حسین الخشن، ۱۴۲۵، ص ۱۳)

۲. محیط زیست عبارت است از: «محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند» که شامل محیط جاندار و بی‌جان می‌شود و محیط زیست جامد یا بی‌جان شامل طبیعتی که خدا آن را خلق کرده و صنعتی که انسان آن را ساخته می‌گردد. همچنین شامل زمین، افلاک و آسمان و ستارگان مانند خورشید، ماه و سایر نجوم می‌گردد. (قرضاوی، ۱۴۲۱، ص ۱۲)

می‌توان نتیجه گرفت که این تعاریف، تفاوت ریشه‌ای و عمیقی با یکدیگر ندارند و تفاوت عمده آنها در تعابیر است. لذا تعریف مورد نظر ما از محیط زیست در این مقاله که وجه مشترک همه تعاریف می‌باشد عبارت است از: مجموعه عوامل و عناصر که فرآیند زیستن را احاطه کرده است و میان آنها و انسان تأثیر و تأثر برقرار است. این مجموعه شامل عوامل بی‌جان مانند: زمین، خاک، آب، هوا، فضا و عوامل جاندار مانند گیاهان و حیوانات می‌شود.

۳. نظریه‌های اسلام در زمینه تعامل انسان با محیط زیست

اسلام در زمینه تعامل انسان با محیط زیست نظریه‌هایی را مطرح می‌کند که فارغ از نحوه رویکرد نسبت به این دیدگاه‌ها، صرفاً به طرح آن‌ها اکتفا شده است، ولی در ادامه و در طول بحث از تعامل انسان با محیط زیست، نظریه‌ای که بیشتر در نگاه اسلام مورد تأیید قرار گرفته است، ذکر می‌شود.

۳.۱. نظریه ارزش ذاتی

اسلام نگاهی جامع و فراگیر و ارزشی به تمامی عالم، شامل عالم انسانی و غیرانسانی دارد.

الف. عناصر طبیعت و انسان ماهیاتی جدای از هم نیستند و هویتی جداناپذیر دارند. در واقع محیط زیست و انسان دو عنصر هستند که وجودشان وامدار و منشأ هستی است و به سوی او در تکامل هستند و هر کدام دارای ارزش ذاتی فی‌نفسه هستند.

ب. انسان در قرآن از فساد در زمین نهی شده است و تخریب محیط زیست یکی از مصداق‌های بارز فساد در زمین است؛ زیرا مراد از فساد در زمین جریان ظلم و ستم در زمین به وسیله رفتارهای غیراخلاقی انسان است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۱۳) که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم می‌زند و ایجاد فساد اعم از این است که با سوء اختیار انسان همانند جنگ ناشی شده باشد یا نتیجه طغیان انسان در زمین همانند خشکسالی و بیماری‌های فراگیر باشد.

برای مثال در اسلام شکار کردن به قصد تفریح حرام است، تنها در صورتی که به قصد ارتزاق و رفع نیازهای معیشتی صورت پذیرد مجاز می‌باشد. زراره از امام صادق (ع) می‌پرسد؛ نماز صیادی که برای تفریح به شکار رفته است چگونه است؟ امام صادق (ع) فرمود: نماز او شکسته نیست: «إِنَّمَا حَرَجَ فِي لَهْوٍ لَا يَقْضِرُ» و دلیل اتمام به جا آوردن نماز این است که برای لهو و تفریح به شکار می‌رود. (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، باب ۸، ص ۲)

نتیجه اینکه طبیعت و انسان دارای ارزش یکسانی هستند و ارزش هیچ کدام به دیگری وابسته نیست. در صورتی که ارزش ابزاری برای محیط زیست قائل شویم، فساد در زمین و تخریب محیط زیست و شکار بی‌رویه برای انسان مباح شمرده می‌شود و انسان در قبال آنها مسئولیتی ندارد. در حالی که انسان و محیط زیست هر کدام هویتی مستقل دارند

که در تعامل با یکدیگر هستند.

۲.۳. نظریه ارزش ابزاری

الف. اسلام نگاه ارزش ابزاری به محیط زیست دارد؛ به این معنا که تمامی آنچه را که خداوند خلق کرده است، برای انسان و در راستای منافع او ایجاد کرده است. بنابراین، محیط زیست طبیعی ابزار خدمت‌رسانی به انسان است. با توجه به مراتب وجودی، موجوداتی که در دنیای مادی قرار دارند و هر کدام دارای فضیلت‌هایی بر مرتبه پایین‌تر هستند، انسان با داشتن موهبت عقل از سایر موجودات متمایز شده است و از خداوند اجازه تسخیر و تصرف در رتبه‌های پایین‌تر از خود را یافته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۴).

ب. انسان حق تصرف در طبیعت و تسخیر آن را دارد. روایات اسلامی حق تسخیر و تصرف در طبیعت را ناشی از وجود دو موهبت عقل و اختیار می‌دانند و این دو عنصر انسان را بر سایر موجودات برتری داده است و عامل دیگر برتری انسان، اختیار تام انسان در پذیرفتن ولایت الهی و قبول اجرای فرامین الهی است. (همان، ج ۱۶، ص ۳۵۵).

نظام آفرینش تحت اختیار انسان و امانتی در دست اوست ولی اگر در امانت خیانت کند، مجموعه کیهانی از اطاعت او خارج می‌شود و از او نیز ارزشمندتر می‌شود. بنابراین رابطه انسان با محیط زیست در صورتی که او ارزش وجودی خود را حفظ کند و امین خدا باشد رابطه تسخیری است.

۴. اصول اخلاقی و کلامی تعامل انسان با محیط زیست

در آموزه‌های اسلامی، طبیعت و محیط زیست در عین حال که در اختیار انسان به عنوان خلیفه الهی قرار دارد به عنوان نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده است که انسان متعهد به حفظ و حراست آن می‌باشد. در واقع محیط زیست در اسلام «امانتی» است که به انسان سپرده شده است. بر این اساس از لحاظ اخلاقی و کلامی می‌توان اصولی را برشمرد که با ضرورت بهره‌مندی افراد از محیط زیست همسو بوده است.

۴.۱. اصل تعامل عالمانه و حافظانه با محیط زیست (نظام احسن)

بر اساس این اصل، نظامی که خداوند آفریده است، نظام احسن است و برترین مخلوق خداوند هم انسان است (فهیمی، ۱۰۶، ۱۳۹۸) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴). لذا انسان وظیفه دارد این جهان متوازن و متعادل را حفظ کند و به عبارت دیگر در بهره‌برداری از محیط زیست باید به این مسئله توجه شود که رابطه انسان با محیط زیست، رابطه حق و تکلیف است؛ یعنی همانگونه که خداوند به انسان اجازه بهره‌برداری از طبیعت را داده است؛ از سوی دیگر، موظف و مسئول حفظ و صیانت از محیط زیست می‌باشد. در واقع انسان خلیفه خدا در روی زمین است و رابطه انسان با طبیعت، رابطه‌ای بر اساس محبت و جنبه خالق و مخلوقی دارد نه جنبه انتقام‌گیری و بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت که انسان امروز دچار آن است.

امروزه در نظام مدیریتی این تصور غلط وجود دارد که محیط زیست و منابع طبیعی در اختیار مدیران مربوطه قرار گرفته است. در حالی که این حق تصرف کاملاً محدود است. یعنی اصل تعامل عالمانه و حافظانه، مدیریت را موظف می‌کند که اولاً، باید نسبت به حفظ و صیانت از محیط زیست کوشا بوده و ثانیاً، نباید محیط زیست و منابع طبیعی را به یک نسل و گروه و افراد خاص واگذار نماید و یا بیش از حد مجاز بهره‌برداری نمایند.

آیات متعددی از قرآن کریم دلالت بر ضرورت حفاظت و حمایت از محیط زیست دارد. از جمله اینکه: از تکریم بنی آدم و سیر او در طبیعت و روزی دادن به او، از طیبات سخن می‌گوید «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (اسراء: ۱۷)

بر حفظ توازن در پدیده‌های زیست محیطی تأکید شده است؛ چون خداوند هر چیز را به اندازه خلق نموده است. «وَ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ اِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱)

دیگر آنکه فساد انگیزی بر روی زمین حرام اعلام شده است. «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶) با مطالعه و بررسی سخنان معصومین (ع) و پیشوایان دینی نیز به روشنی به دست می‌آید که ائمه اطهار (ع) نسبت به حفظ و صیانت از محیط زیست و کیفیت تعامل با عناصر آن تأکید ویژه‌ای داشتند و می‌توان گفت روح کلی حاکم بر این روایات ایجاد حس مسئولیت در برابر طبیعت و موجودات پیرامونی می‌باشد.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: « اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَانَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ »؛ تقوای الهی پیشه کنید در مورد بندگانش و سرزمین‌هایش، همانا شما مسئول می‌باشید حتی در مورد زمین و چهارپایان. (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۱۶۷).

پیامبر اکرم (ص) در مورد جلوگیری از وارد نمودن ضرر و آسیب به جانداران در هنگام سوار شدن بر آنها می‌فرماید: « پشت چهارپایان خود را محل گفت و گو قرار ندهید و باعث ناراحتی آنان نشوید. (بخاری، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۹۵) و یا در هنگام دوشیدن شیر، پیامبر امر نمودند که به پستان حیوان نباید آسیب و ضرر وارد شود و ناخن‌ها باید گرفته شوند. (ابن حنبل، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۴۸۴).

ضمن اینکه قاعده «لا ضرر» که برگرفته از متن حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است، هرگونه رفتاری که منجر به تخریب و آلوده نمودن، نابود کردن و از انتفاع خارج نمودن محیط زیست باشد به دلیل اینکه متعلق به عموم هستند را اضرار به غیر و حرام می‌داند. (فهیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۴).

بنابراین انسان در برابر محیط زیست مسئولیت دارد و نمی‌تواند در برابر رشد و تأمین حیات عناصر محیط زیست بی‌تفاوت باشد و یا به گونه‌ای غیر علمی دلخواه و احساسی و به دور از چارچوب‌های قانونی و اصول اخلاقی به بهره‌برداری و یا انهدام طبیعت بپردازد؛ زیرا زمین و همه ابعاد طبیعت به عنوان ودیعه در دست بشر قرار گرفته و اختصاص به یک نسل خاصی ندارد، بلکه به همه انسان‌ها در حال و آینده تعلق دارد.

۲.۴. اصل تعامل منصفانه و معتدل (قاعده احسان)

رفتار همراه با عدل و انصاف نسبت به انسان‌ها و غیر انسان‌ها اعم از جانوران و دیگر عناصر محیط زیست از اصول اخلاقی راهبردی است، چرا که سعادت دنیا و آخرت جامعه و حفظ سلامت محیط زیست در گرو رعایت عدل و انصاف و احسان می‌باشد. احسان بالاتر از عدل می‌باشد، احسان چیزی است که بیشتر از آنکه لازم است داده می‌شود و کمتر از آنکه بایست گرفته می‌شود. بنابراین احسان بخشایشی است افزونتر و برتر از عدالت. (راغب، ۱۴۱۲، صص ۲۳۵-۲۳۷). دایره احسان چنان گسترده است که شامل تمام هستی و مخلوقات خداوند می‌شود. و خداوند متعال می‌فرماید: « وَ أَحْسِنُوا، اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ » (بقره: ۱۹۵) در کلام پیامبر اکرم (ص) «احسان» چنین تعریف شده است، که مؤمن به

درجه‌ای می‌رسد که خداوند را همه جا حاضر و ناظر خود می‌بیند. (بخاری، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۲۷؛ مسلم، ۱۳۳۴، ج ۱، ص ۳۷، ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۶، نسائی، ۵۳۰۳، ج ۸، ص ۹۹؛ ابن حنبل، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۷).

در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) احسان را شامل همه چیز می‌داند و سفارش به احسان نسبت به همه موجودات می‌کند و در ادامه از مصداق آن سخن می‌گوید حتی هنگام ذبح حیوانات، رعایت احسان لازم است و احسان در اینجا انجام سریع ذبح است تا حیوان عذاب نکشد. (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۶۴)

در روایات دیگری بر ارزش احسان به حیوانات تأکید شده است و آن را باعث پاک شدن گناهان دانسته‌اند، مثلاً در مورد سگ تشنه‌ای که توسط فرد گناهکاری مورد احسان قرار گرفت و سیراب شد. (بخاری، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۲۰۶، مسلم، ۱۳۳۴، ج ۴، ص ۱۷۶۱، مؤطا مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۲۹، ابو داود، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۴، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۵).

نکته ظریفی که در این روایات وجود دارد این است که خداوند اقامه قسط و اجرای عدالت و احسان را به عهده خود مردم گذاشته است و تأکید نموده است که بدون مشارکت فعالانه آنان، عدالت در جامعه و در تعامل انسان با محیط زیست اقامه نخواهد شد. (مظفری، ۱۳۸۹، ص ۸۴). بشر اگر بخواهد سرمایه‌های طبیعی، هوا، زمین و آب را برای نسل‌های آینده خویش حفظ نماید، ضروری است بینشی تازه مبتنی بر همزیستی و هماهنگی با طبیعت پیشه خود سازد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و صنعتی باید کم‌ترین تهدید را برای محیط زیست داشته باشد.

۳.۴. اصل تعامل حکیمانه با محیط زیست (قاعده حکمت)

خداوند متعال بهترین خلق‌کننده است که همه چیز را بر اساس حکمت خلق و هدایت و سازمان‌دهی می‌کند. «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴) محیط زیست و عناصر آن نیز برای هدفی خلق شده‌اند و انسان موحد نیز آن را مجموعه‌ای می‌داند که پدیده‌ها و نمودهای آن هم‌آهنگ با هم و با نظم دقیقی به سوی هدفی متعالی در حرکتند. در آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون خلقت انسان‌ها و تمامی موجودات عالم از جمله مظاهر محیط زیست بوده که بر اساس تدبیر و هدفی می‌باشد: «آیا می‌پندارید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید.» (مؤمنون، ۱۱۵) از این رو، حقوق محیط زیست بنا به جهان بینی و نوع نگرش در اسلام و با توجه به این اصل متفاوت از برخی اندیشه‌های پوچ‌گرا یا الحادی خواهد بود.

معنای دیگر حکمت این است که در دین اسلام، از محیط زیست به عنوان مظهر عظمت و قدرت خداوند یاد شده است و در این راستا بر لزوم بهره‌مندی صحیح انسان از مواهب طبیعی و تفکر در آن‌ها تأکید گردیده است. وظیفه همه انسان‌ها حفاظت از این جهان منسجم و هدفدار با خلقت حکیمانه است و خداوند متعال در قرآن کریم موجوداتی همچون شیطان را که در صدد به هم زدن نظم آفرینش و زیبایی آن هستند را با عنوان «فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء، ۱۱۹) یاد می‌کند و از جمله صفات پیروان شیطان را تغییر دادن آفرینش پاک الهی می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۳۸۹).

۴.۴. اصل مسئولیت‌پذیری و امانت

بر اساس قاعده امانت طبیعت و محیط زیست امانتی در دست انسان است که باید آن را نگهداری نموده و این ودیعه الهی را به گونه‌ای صحیح استفاده نماید. بر اساس این اصل، انسان مسلمان امانت دار ودیعه الهی در زمین است نه اینکه به دنبال انتقام از آن باشد. لذا خداوند در قرآن تأکید کرده است که امانت را به اهل آن بازگردانید «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ

أَنْ تُؤَدُّوْا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) و بر اساس این اصل آباد کردن زمین وظیفه انسان‌های متدین است. «أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) چرا که انسان جاهل به تخریب محیط زیست می‌پردازد.

از نگاه امانت در این رویکرد، اگر خداوند جهان را مسخر انسان گردانید، به خاطر آن بود که انسان با استفاده از این امکانات به تزکیه و پاکسازی برسد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی: ۱۴). استفاده انسان از این طبیعت مسخر نباید جنبه تخریب محیط زیست را به همراه داشته باشد. بر این اساس خداوند به حضرت داود به جای ساختن سلاح تهاجمی زره بافی را یاد داد «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ» (انبیاء: ۸۰) یعنی داود به جای سلاح تهاجمی از سلاح دفاعی استفاده کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

گر چه در ظاهر رابطه انسان با طبیعت رابطه تسخیری است «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰) اما انسان امانتدار الهی و زمین و آسمان مسخر انسان است و همه تحت اطاعت خداوند هستند و چنانچه انسان‌ها بر خلاف طبیعت حرکت کنند، در مقابله با نظام کیهانی نابود می‌شوند چرا که موجودات عالم اعم از انسان و طبیعت هیچ کدام از خود استقلالی ندارند و در مالکیت تام الهی قرار دارند و تدبیر کل امور به دست خداوند است و انسان امانتداری بیش نیست.

همچنین مطابق با اصل مسئولیت، انسان در این جهان آزاد و رها نیست، بلکه در برابر خداوند، جامعه، طبیعت و محیط زیست و سایر انسان‌ها پاسخگو و مسئول افعال و اعمال خویش است. این مسئولیت در محیط زیست و منابع طبیعی نیز وجود دارد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَ النَّهَائِمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۴) از خدا بترسید درباره بندگان و شهرهای او، زیرا که در قیامت مورد سوال واقع می‌شوید از همه چیز، حتی در مورد اماکن و حیوانات. به همین جهت انسان‌ها تکالیف متعددی در برابر خود، خداوند، جامعه و محیط زیست هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

این رویکردها بیشتر ناظر بر ضرورت حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری معقول و مناسب از آن تاکید دارند. چرا که مقام خلیفه الهی اقتضاء می‌کند که بهره‌برداری از مواهب طبیعی به گونه‌ای صحیح باشد و هرگونه آلودگی و تخریب در تعارض با آن است.

۴.۵. اصل اهتمام به آبادانی محیط زیست

انسانی که خداوند مقام خلیفه الهی را به او داده است، نخست باید تعالیم الهی را فراگیرد تا مجری اراده تشریحی خداوند در زمین باشد. بعد از اینکه جان خود را به معارف و علوم وحیانی مجهز نمود، وجود خود را در جهان بیرونی تجلی می‌بخشد و به آباد کردن زمین می‌پردازد. از آنجا که این آباد کردن از انسانی ناشی شده است که حکمت الهی در روح او راسخ شده است با قسط و عدل به آباد کردن زمین می‌پردازد و در همین راستاست که علوم انسانی و تجربی و مهندسی و معماری الهی شکل می‌گیرند و روابط انسان‌ها و زمین رابطه‌ای خدامحور خواهد بود و تن و روان انسان در چنین فضایی است که سعادت و رفاه این جهانی و شکوفایی استعدادهای انسان خلیفه الهی را به دنبال خواهد داشت. یکی از اصول اصلی اسلام برای حفظ محیط زیست تربیت انسان‌های قرآنی است که در دامن وحی تربیت شده‌اند که بازتاب این تربیت

پرهیز از اسراف و دعوت به قناعت و حفظ امانت در عرصه محیط زیست است. پایبندی به اخلاق بیشترین سهم را در حفظ محیط زیست خواهد داشت، اگر کسی تخریب محیط زیست را برای دستیابی به توسعه ناپایدار رویه خود قرار دهد از مقام خلیفه الهی دور خواهد شد. با تربیت افراد قرآنی، خانواده و گروه‌ها و احزاب و دولتهای قرآنی خواهیم داشت که بیشترین سهم را در حفظ حقوق محیط زیست خواهند داشت.

خداوند بستر مناسبی از مواد خام غذایی و معدنی در کنار هر سن، استعداد و خلاقیت انسان در زمین فراهم آورده است تا در کنار وحی و عقل درونی، تصمیمات درست و حکیمانه را اتخاذ کند و به آباد کردن زمین از ناحیه خداوند بپردازد و خداوند خود بر این آبادگری انسان تأکید و اصرار دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: آباد کردن زمین کار انسان‌های متدین است «أَنْشَأْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) و دستور می‌دهد که در زمین پس از اصلاح، فساد و تباهی ننمایید. «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶)

در روایات اسلامی کسی که به خاطر تن‌پروری و تنبلی از آباد کردن زمین سر باز زند نکوهش شده است و هشدار دوری از رحمت خداوند به او داده شده است. امام علی (ع) فرمودند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). یکی از عوامل فقر در این حدیث رویگردانی از آباد کردن زمین معرفی شده است که به صورت دوری افراد از آبادگری زمین و دور کردن دیگران با وضع تحریم‌های اقتصادی یا ناامن کردن قسمتی از زمین قابل تحقق است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «قَدْ أَمَرَهُم بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَالشَّمْرِاتِ وَ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَايِشَ لِلخَلْقِ» خداوند مردم را به آبادانی زمین فراخواند تا از این راه روزی خویش را به دست آورد و از محصولات کشاورزی بهره‌برند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۴۷).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَانِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقْمَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا» اگر در آستانه برپایی قیامت در دست یکی از شما مسلمانان نهالی باشد، اگر مجال و فرصت کاشتن آن را دارید، درخت و نهال را بکارید. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۳۶۰).

این سخن پیامبرگرامی اسلام بیانگر یک مسئولیت خطیر و بزرگ برای ما مسلمانان به عنوان یک اصل اخلاقی در برابر آبادانی محیط زیست است.

حضرت علی (ع) در فرمان معروف خود به مالک اشتر، فرماندار بصره نوشته است: «باید توجه تو در آبادی زمین بیشتر از توجه تو به گرفتن مالیات و خراج از مردم باشد؛ زیرا خراج بدون توجه به آبادانی به دست نمی‌آید و کسی که بدون آباد نمودن به گرفتن مالیات و خراج بپردازد، به ویرانی شهرها و از بین بردن بندگان خدا دست زده است.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، نامه ۵۳).

در این فرمان می‌بینیم که حضرت علی (ع) مهم‌ترین امر حکومتی را که اخذ مالیات و خراج باشد، متوقف بر عمران و آبادانی می‌کند، به گونه‌ای که اگر دستگاه حکومتی بدون توجه به عمران و آبادانی به اخذ مالیات اقدام کند، گویا به نابودی و هلاکت بندگان خدا دست زده است.

بنابراین در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هرگونه آسیب رساندن به این ثروت‌ها نهی شده است و همچنین در روایات بسیاری مسلمانان به درختکاری، زراعت و سایر فعالیت‌ها تشویق شده‌اند به نحوی که در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند. لذا نهادینه ساختن فرهنگ آینده‌نگری و خروج از پيله

خودنگری در تعامل با محیط زیست، در روایات آبادانی محیط زیست فراوان به چشم می خورد.

۴.۶. اصل تواضع در بهره‌مندی از منابع محیط زیست و استفاده بهینه از آنها

انسان با توجه به بهره‌مندی از قدرت اختیار، آزاد است تا در بهره‌برداری از محیط زیست از شیوه‌ها و الگوهای درست و اخلاقی و شرعی و یا نادرست استفاده کند. اما باید بداند در صورت پیروی از خطوات شیطانی، هزینه‌های این ناسپاسی رنج‌های فراوان دنیوی و غضب الهی خواهد بود. خداوند آنچه را در آسمان و زمین خلق کرده مسخر انسان قرار داده و استعداد، قدرت و اجازه تصرف را نیز به او داده است. «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...» (نحل: ۱۲)

با نگاه اجمالی به وضعیت موجود و با توجه به آمار و ارقام منتشر شده در ادوار مختلف ما را به این نتیجه می‌رساند که نسل فعلی رفتار ناسپاسانه خود را با توجه به سوء استفاده از مواهب و نعمات الهی به نهایت رسانده است و جامعه دینی ما از این امر مستثناء نبوده و با جوامع غیردینی تفاوت چندانی ندارد و شاید از بعضی جهات وضعیت بدتری داشته باشند. برای مثال، استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، رفتارهای ما نسبت به بستر و حریم رودخانه‌ها، آب‌های سطحی و زیرزمینی، با انواع آلاینده‌ها مانند مواد سمی، شیمیایی، میکروبی و... .

نتیجه این است که اگر مردمی شکرگزار نعمت‌های الهی نباشند و شروع به خوش‌گذرانی نموده و محیط زیست و منابع آبی و خاکی را فدای لذت‌طلبی و تجمل‌گرایی نمایند، تأثیرات ویرانگری بر محیط زیست گذاشته و موجب بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خواهند شد که نتیجه آن تباهی و نابودی است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من تواضع لله درجه حتى يجعله في عليين و من تكبر على الله درجه وضعه الله درجه حتى يجعله في اسفل السافلين» (ابن حنبل، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۷۶). اصل فروتنی عام در مقابل تمام هستی و آفریده‌ها منجر به حفظ و حرمت حقوق آنان و باعث جلوگیری از نابود کردن آنان می‌شود؛ زیرا رفتار متکبرانه انسان که خود را برتر از همه آفریده‌ها می‌داند، منجر به تخریب طبیعت شده است.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر نیز به زیبایی و ظرافت، رابطه فروتنی و ظلم و ستم را بیان فرمودند: «تواضعوا حتى لا يبغي أحد على أحد» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۴) در این روایت بیان می‌شود که فروتنی کردن مانع از ستم کردن می‌شود. تواضع در مقابل طبیعت انسان را از سیطره و سلطه بر آن باز می‌دارد.

در واقع تواضع و فروتنی در مقابل هستی انسان را در سطحی برابر با آن قرار می‌دهد و از دست‌اندازی متکبرانه به آن پیشگیری می‌کند. انسان وقتی خود را بالاتر از سایر موجودات می‌داند، اقدام به بهره‌کشی از آنان می‌کند، ولی وقتی احساس افتادگی در برابر هستی خداوند داشته باشد از رفتار برتری‌جویانه دوری می‌کند.

از طرفی آیات قرآن و سیره و سخن معصومان (ع)، علاوه بر دعوت به تواضع در تعامل با محیط زیست، بیانگر تشویق و دعوت از انسان‌ها جهت استفاده بهینه و بهره‌برداری از طبیعت و ثمرات آن به اندازه مفید و معقول است. «...وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» (جمعه: ۱۰) گیاهان از منابع مهم تأمین غذا، پوشاک و دارو برای انسان می‌باشند. مهم‌ترین منبع غذایی سالم برای انسان از گیاهان فراهم می‌شود، ضمن اینکه نقش دارویی گیاهان در پیشگیری و درمان بیماری‌ها کاملاً مشهود است. ودر مورد حیوانات، خداوند سبحان آنها را کمک الهی به انسان معرفی می‌کند.

در روایتی امام علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ فَانَهُمَا يَغْدوان

بخیر و یروحان بخیر)؛ بر شما باد به نگهداری گوسفند و زمین کشاورزی؛ زیرا این دو به خیر آغاز می‌شوند و به خیر و برکت پایان می‌یابند. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۹۳).

چهارپایان برای صاحبان خود شکوه خاصی دارند؛ زیرا آن‌ها حکایت از منابع غذایی و اقتصادی پر برکتی دارند و این همان خودکفایی در تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک جامعه است. امروزه تمام ملت‌های دنیا تلاش می‌کنند در صنعت کشاورزی و دامداری به خود کفایی برسند و گرفتار وابستگی نشوند و مجبور نباشند با دادن امتیازهای سیاسی دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند؛ چرا که وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی را به دنبال دارد. لذا در اسلام مردم به دامداری و کشاورزی و توسعه پایدار آن تشویق شده‌اند.

۴.۷. اصل حفظ شرافت و شأن طبیعت و شرف در برخورد با آن

خداوند حفیظ است و تمام هستی در حوزه حفاظت او قرار دارد و از اوست. این رویکرد ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، یعنی جهان و هر آنچه که در اوست ماهیت «به سوی اویی» دارد؛ «إِنَّا إِلِيهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) لذا انسان مؤمن که خلیفه خداوند در روی زمین است باید خود را به صفات‌های کمال‌بخش خداوند بیاراید و در حفظ شرافت محیط زیست کوشا باشد. حفظ هرگونه نگهداری را شامل می‌شود. در همین راستا پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٍ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَ هِيَ مَخْبَرَةٌ»؛ در نگهداری زمین بکوشید و به آن حرمت نهید که مادر شماست، هر کس بر روی آن کار نیک و یا بدی انجام دهد گزارش خواهد داد. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴۰).

نوع نگاه مادر و فرزند نسبت به انسان و طبیعت اقتضای آن احترام و بهره‌وری سالم و مسئولانه از محیط زیست است نه نگاهی که دشمنانه و ستیزاآلود باشد یا نگاهی که با سودمحوری و منفعت‌طلبی که محیط زیست را به عنوان یک طعمه می‌بیند و در خدمت ارضای غرایز حیوانی او قرار گرفته باشد، نگاه مسئولانه با نگاهی که زمین را کنیزی می‌داند که در جنگ به اسارت گرفته شده است و هر نوع رفتاری می‌توان با او نمود، کاملاً متفاوت می‌باشد، و در چنین نگاهی زمین نیز از وظایف خود در قبال بشر سرباز می‌زند و دیگر مادری نیست که باید دغدغه سیر کردن بچه‌های خود را داشته باشد. (نصر، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴).

پیش از اسلام، مردم با طبیعت و محیط زیست رفتار بدی داشتند، به گونه‌ای که بعضاً حیوانات را مانند انسان، زنده به گور می‌کردند. مانند زنده به گور کردن شتر در کنار قبر ثروتمندان بر اساس این رسن جاهلی و خرافی که مرده ثروتمندان سوار بر شتر محشور می‌شود.

با بعثت پیامبر گرامی اسلام تحولی ژرف در نگرش به محیط زیست و برخورد با حیوانات و دیگر آفریده‌های خداوند به وجود آمد. پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد (ص) با آوردن دستورات الهی از این برخوردها پیشگیری و از آن‌ها نهی نمود.

در آیات و روایات اسلامی درختان و گیاهان، کوه‌ها و آب‌ها و دریاها و حیوانات، موجودات ذی‌شعور، تسبیح‌گو، دارای شأن عقلانی و نشانه و آیت الهی معرفی شده‌اند. به گونه‌ای که همه دارای هدف، معرفت، شناخت، و درک قدرت نطق و اختیار می‌باشند و این تسبیح نیز از روی اختیار می‌باشد. (رکن الدین، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵).

امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «هیچ حیوانی نیست مگر اینکه وقتی صاحبش می‌خواهد بر آن سوار شود،

می‌گوید: بار خدایا او را به من مهربان کن.» (برقی، ۱۳۹۰، ص ۶۲۶).

بر پایه آموزه‌های وحیانی، اسلام و قرآن کریم علاوه بر آنکه نشانه و آیتی از پروردگار محسوب می‌شوند و صفحه‌های آفرینش برای انسان برگ موعظه است «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا» (یس: ۷)، او را موظف می‌کنند که نسبت به مخلوقات خداوند رأفت و رحمت و احساس مسئولیت داشته باشد. چرا که در اندیشه دینی و قرآنی، هدف از خلقت رسیدن به کمال و کامل شدن انسان است و این در سایه عبودیت الهی محقق می‌گردد. و از طرفی یکی از صفات برجسته خداوند رحم و شفقت و رأفت و محبت بی حساب نسبت به همه مخلوقات است.

۸.۴. اصل نهی از فساد در محیط زیست

این اصل صبغه کلامی - حقوقی و فقهی دارد و بر اساس آن فساد و آلوده نمودن زمین نهی گردیده است. تضمین حق بر محیط زیست برای انسان لازمه اجتناب از ایجاد فساد در زمین است. توجه به دلیل عقلی در استنباط احکام شرعی حفاظت از محیط زیست می‌تواند همواره مورد توجه قرار بگیرد. قاعده ملازمه در این خصوص شیوع بیشتری دارد و بر اساس آن حکم عقلی و شرعی با یکدیگر ملازمه دارند. (مشهدی، فهیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷) برای نمونه می‌توان به ممنوعیت آسیب و ضرر به خود از طریق تخریب محیط زیست و قبیح بودن ظلم و فساد و تعدی اشاره کرد. عقل هر گونه بی‌عدالتی و فساد را قبیح می‌داند. «...از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بیانجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است. در مقابل تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن، که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن بیانجامد، موجب حفظ نظام، بقای انسان و مصداق عمل نیکو است. مسئله حفظ بقای آدمی از قضایایی است که همه عقلا بر آن رأی داده‌اند و شارع هم به عنوان خالق عقل، با آن موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است. (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۴؛ عظیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲). علاوه بر این از لحاظ ایجابی نیز وظیفه خلیفه الهی انسان آباد کردن زمین است نه تخریب آن «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) و پیام آیات این است که خلقت انسان هدفمند است و تمامی امکانات و استعدادها را خداوند بزرگ برای رشد و کمال انسان‌ها در اختیار او قرار داده است.

قرآن کریم کفران نعمت را موجب بروز سختی در زمین و دریا می‌داند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱) بروز فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم است، تا خداوند بچشاند نتیجه بعضی از اعمال آنها را، شاید که بازگردند. اسراف و زیاده‌روی در استفاده از محیط زیست حرام است که قرآن در این باره آیات بسیاری دارد. از جمله اینکه می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. و در جایی دیگر قرآن کریم از فساد نهی می‌کند «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء: ۱۵۲) و یا آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۱۵۶) فساد نکنید در زمین بعد از اصلاح آن.

توضیح اینکه اگر انسان مالک هستی خود بود هر تصرفی را که در امور خود می‌کرد و هر رذیله و ملکه ناپسندی مانند کبر، عجب، حسد، ریا، خودخواهی، غضب، و... در هویت خود ایجاد می‌کرد، نمی‌توانست مصداق ظلم باشد. چون ظلم

در جایی است که انسان خودسرانه در حق دیگری تصرف کند و بدون اذن در حریم خصوصی شخصی و یا موجود دیگری ورود پیدا نموده و در سرمایه‌ها و دارایی‌های او تجاوز نماید. در نتیجه معلوم می‌شود هویتی که در اختیار انسان است متعلق به خدا و ملک او و امانت در اختیار انسان است و انسان امانتدار خداوند می‌باشد و لذا حق تصرف ناروا و فساد در آن را ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱).

بنابراین، انسان هر نوع تصرف و ارتباطی که می‌خواهد با نفس و انحاء وجودی خویش داشته باشد و در پی آن از شئون علمی و عملی خود بهره‌مند شود، باید مقارن با رضایت مالک مطلق هستی یعنی خداوند باشد و بنابر قاعده اولویت در دیگر موجودات مانند کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی، حیوانات و آبزیان و... نیاز به اذن خداوند است و برای ارتباط تبعیت از اوامر و نواهی که توسط پیامبر و ائمه اطهار(ع) بیان شده را در سرلوحه کار خود قرار دهد. (همان، ص ۱۷۲).

۴.۹. اصل توسعه محیط زیست و حفاظت از آن و عدم تخریب آن

قانون کلی حفظ نظام طبیعت در همه جا و در هر شرایطی باید اجرا شود و خروج از آن نیازمند فرمانی از ناحیه خداوند و یا حجت‌های او می‌باشد.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «سبع یجری للعبد اجرهنّ و هو فی قبره بعد موتّه: من علم علماً او اجری نهراً او حفراً بئراً او غرس نخلاً او بنی مسجداً او ورث مصحفاً او ترک ولدأ یستغفر له بعد موتیه» هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: ۱. کسی که علمی تعلیم دهد؛ ۲. نهری به جریان اندازد؛ ۳. چاهی حفر کند؛ ۴. نخلی بکارد؛ ۵. مسجدی بسازد؛ ۶. مصحفی به ارث گذارد؛ ۷. فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۷۹۷).

امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ پرنده‌ای در دریا و خشکی صید نمی‌شود و هیچ حیوان وحشی کشته نمی‌شود، مگر آنکه تسبیح‌گویی از بین رفته است» (برقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۶).

پیام احادیثی از این قبیل، توسعه محیط زیست طبیعی و حفاظت از آن، توسعه و ایجاد فضای سبز و جنگل‌های مصنوعی و کویرزدایی از بیابانهای دنیا است و در مقابل هرگونه تخریب و برخورد سلبی با محیط زیست و ایجاد آلودگی، ضد ارزش شمرده می‌شود.

در دین اسلام، برای محافظت از درختان و گیاهان قوانینی وضع شده است که نه فقط جنگل‌ها که حیات وحش را نیز در بر می‌گیرد، که به قاعده «حرم و حمی» نامیده شده است و بر اساس آن مناطقی که به آنها حریم می‌گویند، از سایر مناطق جدایند و توسعه و کشاورزی در آنها ممنوع است و حفاظت از این مناطق بخصوص لازم است. بر این اساس علاوه بر حمایت از جانوران، حمایت از جانداران در زندگی پیامبر اسلام(ص) مشاهده می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «از لانه‌سازی پرندگان در منزل خود جلوگیری نکنید» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۹) پیامبرگرامی اسلام فرمودند: «چهارپایان را به مثابه محلی برای گفت و گو قرار ندهید» به این معنا که سوار بر حیوان نشوید بعد با دیگران شروع به گفتگو کنید و مشغول تعریف و... نشوید.

در اسلام همچنین به «انفال» و «فیء» که اموال عمومی هستند، اشاره می‌شود و اینکه کسی حق تصرف آنان را ندارد، منابع و مناطق طبیعی و سکونتگاه‌های حیوانات در جنگل‌ها، صحراها، کوه‌ها و دریاها همه از این دست محسوب

می‌شوند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: چند گروه مورد لعن خداوند هستند که یکی از آنان کسی است که اموال عمومی را به خود اختصاص دهد و آن را برای خود حلال شمارد: «المستأثر بالفیء والمستحل له» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۳). امروزه می‌توان با الگوگیری از قاعده حرم و حمی، آن را برای حفاظت از منابع طبیعی گسترده و متنوع به کار برد. بنابراین خداوند متعال ساختار هر مخلوقی را در برابر استعداد، استحقاق ظرفیت و هدفمندی او تأمین نمود آنگاه او را در مسیری مستقیم هدایت نمود. بنابراین هرگونه تخریب رسانی به این نظام آن را از رسیدن به مقصد خود باز می‌دارد و برکاتی که دیگران از این سیستم طراحی شده و منظم دریافت می‌کنند، ضعیف یا تعطیل می‌شود و چهره‌هستی را نازیبیا و مشوش نشان می‌دهد. خداوند متعال در این آیه از تخریب زراعت و چهارپایان و نسل‌های انسانی و حیوانی نهی می‌کند. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ؛ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) هنگامی که روی بر می‌گردانند و از نزد تو خارج می‌شوند، برای فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند با آنکه می‌دانند خداوند فساد و تخریب را دوست ندارد. بسیاری از فقها در بحث از اصول محیط زیست و ممنوعیت آسیب به آن به این آیه تمسک جسته‌اند. (یوسف‌وند، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴).

۱۰.۴. اصل پرهیز از اسراف

از جمله مواردی که باعث شده ثروت محیط زیست بر باد رفته و بر آلودگی آن افزوده شود اسراف در بهره‌برداری از منابع خدادادی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. رفتاری که مادی‌گراها بخصوص غربیان در قرن‌های اخیر به آن روی آورده و تلاش‌های گسترده و فراوان در جهت بهره‌وری بی‌رویه آغاز نموده‌اند و اوج این دیدگاه را در عصر استعمار و تصرف سرزمین‌ها و مناطق مختلف جهان توسط اروپاییان می‌توان مشاهده کرد. خداوند متعال به قناعت و میانه‌روی در بهره‌برداری و استفاده از نعمت‌های الهی دستور داده «...لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) و از «اسراف» که به معنای تجاوز از حد میانه‌روی است در هر کاری که باشد گرچه در صرف مال شهرت دارد، منع نموده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۰).

میانه‌روی و عدم اسراف در مصرف و قناعت، یعنی کاهش و تعادل مصرف و بقای بیشتر منابع و امکانات طبیعی و در مقابل اسراف و بهره‌برداری غلط، یعنی «کفران نعمت» و ناسپاسی «کفور» و نابود کردن منابع مورد نیاز جانداران و نباتات که این از مصادیق منکرات و خسران و زیانکاری است و موجب خشم الهی می‌شود.

امام صادق (ع) در روایتی فرمودند: «رُبَّ فَقِيرٍ اسْرَفَ مِنْ غَنَى فَقَلَّتْ كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ اسْرَفَ مِنَ الْغَنَى قَالَ انْ غَنَى يَنْفَقُ مِمَّا أَوْتَى وَ الْفَقِيرُ مِنْ غَيْرِ مَا أَوْتَى»؛ چه بسا فقیری که از ثروتمند اسراف‌کارتر است. راوی پرسید: چگونه چنین می‌شود؟ امام فرمودند: همانا ثروتمند از آنچه دارد، انفاق می‌کند و فقیر از آنچه ندارد انفاق می‌نماید. (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۶۲).

این سخن امام معصوم می‌رساند که اسراف از نظر موقعیت افراد و وضع مالی آن‌ها تفاوت می‌کند. مصرف مقدار معینی از مال در یک مورد، از شخصی اسراف است، در حالی که مصرف همان مقدار در آن مورد، برای شخص دیگری

که شرایط مالی مناسب‌تری دارد، اسراف نیست.

در روایت دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید: لقمان به پسرش گفت: پسرم هر چیزی علامتی دارد که با آن شناخته می‌شود؛ برای فرد اسرافکار هم سه نشانه است: آنچه که در شأن او نیست؛ می‌خرد، آنچه در شأن او نیست می‌پوشد و نیز آنچه که در شأن او نیست می‌خورد؛ یعنی مسرف شخصی است که آنچه در شأن و درآمد و دارایی‌اش نیست، مصرف می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۶۵).

کاربرد اسراف فقط منحصر به امور اقتصادی نیست، بلکه وجود اسراف در یک جامعه بیانگر مکر انسانگرا است که با محوریت دادن به انسان و اصالت منافع او تسلط انسان بر طبیعت و تخریب محیط زیست را به قیمت رفاه بیشتر انسان تجویز کردن است و این یعنی وضعیت نامناسب و غیرمتعادل اخلاقی و فرهنگی شخص و یا جامعه مسرف است و آن حالت تجاوزگری و بی‌اعتنایی به قوانین و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه است. (مظفری، ۱۳۸۹، ص ۹۵). در حالی که بر اساس قاعده لاضرر که شعاع آن سراسر زندگی انسان را در بر می‌گیرد؛ اسلام ضرر و زیان و آسیب رساندن به دیگران را نمی‌پذیرد و بدون تردید یکی از موارد ضرر و زیان، تخریب محیط زیست انسان و دیگر موجودات زنده است. چرا که انسان‌ها نمی‌توانند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت، به دیگران ضرر و زیان وارد کنند و شارع مقدس چنین اجازه‌ای نداده است.

۵. نتیجه‌گیری

۱- از دیدگاه قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) همه اجزای عالم هستی دارای ارزش می‌باشند و به سوی غایت مشخصی در حرکت می‌باشند. لذا خداوند برای بهره‌گیری انسان از محیط زیست الگو ارائه نموده است.

۲. در آیات و روایات بیانگر تعامل انسان با محیط زیست به طور کلی دو نوع جهان‌بینی وجود دارد: جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی. در جهان‌بینی مادی همه موجودات غیر انسانی، موجودات فناپذیر و فاقد ارزش بوده و انسان در استفاده از آن هیچگونه محدودیتی ندارد، در حالی که در جهان‌بینی الهی عناصر و عوامل محیط زیست دارای ارزش ذاتی هستند و انسان در استفاده از آن محدودیت‌هایی دارد.

۳- در روایات بیانگر نحوه تعامل انسان با محیط زیست درمی‌یابیم که همه موجودات هستی از ارزش وجودی برخوردارند، اما در سلسله مراتب هستی خداوند اذن تسخیر طبیعت را به انسان داده است. و اینکه محیط زیست ابزاری برای رفاه انسان است، اما ابزاری که از ارزش ذاتی برخوردار است و بر همین اساس تعامل انسان با محیط زیست، تعاملی مسئولانه و تعهد محور و تکلیف‌مدار است.

۴- برخی از اصول اخلاقی و کلامی ناظر بر حفاظت از محیط زیست و برگرفته از آیات و روایات که بر اساس مقام خلیفه الهی انسان حقوقی را برای او برشمرده است، عبارتند از: اصل تعامل عالمانه و حافظانه با محیط زیست (نظام احسن)، اصل تعامل منصفانه و معتدل (قاعده احسان)، اصل مسئولیت‌پذیری و امانت، اصل اهتمام به آبادانی محیط زیست، اصل نهی از فساد در محیط زیست و...

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل وضعه محمد ناصر الالبانی، المكتبة الاسلامیه، چ پنجم، بیروت، لبنان، ۱۹۸۵.
۲. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابو داود، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت- لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۰.
۳. بخاری، اسماعیل بن محمد، صحیح بخاری، جمهوریة، مصر (۱۹۴-۲۵۶ق)
۴. -----، صحیح بخاری، شرح مصطفی دیب البغا، دارالقلم، بیروت، ۱۹۸۲
۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارصادر، بیروت، ۱۳۹۰ ش.
۶. بری، جان، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، قاهره، مصر، دارالحديث، ۱۴۱۹ق
۸. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، اسراء، قم، ۱۳۸۶.
۹. _____، _____، پیام قرآن، قم، اسراء، بی تا.
۱۰. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم الریان الشیرازی، چ پنجم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
۱۱. حسین الخشن، الاسلام والبیعه خطوات نحو فقه بیعی، دارالهادی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۱۲. حبیبی، محمد حسن، «حق بر خورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مدخل ملک، دارالعلم و دار الشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رکن الدینی، سید حسین، شأن اخلاقی محیط زیست و چالش های آن با تأکید بر اندیشه اسلامی، پایان نامه دکتری، دانشگاه معارف، قم، ۱۳۹۲.
۱۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۶. ساعد، نادر، «نگرشی با حق اخلاقی و حق حقوقی به محیط زیست»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، انتشارات برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ چهارم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۲ق
۱۸. -----، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، چ چهارم، شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ ش
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. فهیمی، عزیزالله، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۲. قرضاوی، یوسف، رعایه البیئہ فی شریعہ الاسلام، دارالشرق، قاهره، ۱۴۲۱ ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مسلم بن حجاج، ابی الحسین، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت، دارالحدیث، ۱۳۲۹-۱۳۳۴ ق
۲۶. مظفری، محمد حسن، اصول بهره‌برداری از منابع محیط زیست از دیدگاه قرآن، کتاب اخلاق و محیط زیست، سید کاووس امامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
۲۷. مشهدی، علی، حق بر محیط زیست سالم، تهران، انتشارات میزان، چ ۱، ۱۳۹۲ ش.
۲۸. -----، حقوق بشر و محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱، ۱۳۹۶ ش.
۲۹. نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، تحقیق ابو طاهر زبیر علی زئی، جلد اول، ریاض، دارالاسلام للنشر والتوزیع، (۲۱۵-۳۰۳ ق)
۳۰. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت، ۱۰۴۸ ق.
۳۱. نهج البلاغه، ترجمه سید محمد دشتی، قم، الهادی، ۱۳۸۲.
۳۲. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، تهران، ۱۳۸۲
۳۳. نصر، سید حسین، نیاز به علم مقدس، حسن میانداری، چ سوم، مؤسسه فرهنگی طه، تهران، ۱۳۹۳.
۳۴. یوسف‌وند، محمود، « ادله فقهی منع به کارگیری سلاح هسته‌ای با رویکرد حقوق بشر دوستانه محیط زیست»، مجله حقوق اسلامی، ش ۳۸، ۱۳۹۲ ش.